

چالش تولید کارگاهی فرش در دوره قاجار با تحولات متأثر از انقلاب صنعتی

حمیدرضا آریان‌فر^۱
مقصودعلی صادقی^۲
سیدهاشم آقاجری^۳

چکیده

انقلاب صنعتی در اروپا که با تغییر نگاه انسان به امور مختلف مادی و فرهنگی همراه بود، تأثیری شگرف بر افزایش تولیدات ماشینی اروپا و کاهش و یا زوال تولیدات صنایع دیگر کشورها برجای گذاشت. در چالش جدی میان تولیدات ماشینی و صنایع کارگاهی ایران بسیاری از شاخه‌های تولید کارگاهی در عصر قاجار به تدریج دچار تحول شد، چنانکه صنعت فرش‌بافی تحت تأثیر مدرنیته و فضای فکری و فرهنگی متأثر از انقلاب صنعتی قرار گرفت و اهمیت دوچندان یافت. نوع نگرش جامعه غرب و توجه عموم طبقات اروپا به خصوص طبقه رو به رشد متوسط به قالی ایران تأثیراتی را در طرح، رنگ و حتی ابعاد قالی ایران بر جای نهاد. در این دوره متغیرهایی چون تغییر نگرش طبقه متوسط جامعه اروپا متأثر از تحولات صنعتی، معرفی فرش ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی در صنعت فرش، زمینه افزایش تولید داخلی فرش و صادرات آن را فراهم کرد و موجب معرفی و شناخت هرچه بیشتر این هنر-صنعت در بین عموم طبقات اروپا و توسعه تجارت بین‌المللی آن گردید. هدف از این مقاله بررسی چالش تولید کارگاهی فرش در دوره قاجار با تحولات متأثر از انقلاب صنعتی و وابستگی روزافزون ایران به اقتصاد جهانی و واکاوی نتایج این چالش است. گردآوری اطلاعات این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است و داده‌ها با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: چالش تولید کارگاهی، فرش، قاجار، تحولات صنعتی، انقلاب صنعتی.

The Challenge of Carpet Job-Shop Product in the Qajar Period with Developments Affected by the Industrial Revolution

Hamid Reza Aryanfar¹
Maghsoud Ali Sadeghi²
Seyed Hashem Aghajari³

Abstract

The Industrial Revolution in Europe, which was accompanied by a change in human attitudes towards various material and cultural affairs, had a tremendous effect on increasing machine production in Europe and reducing or declining the production of other countries' industries. In the serious challenge between machine production and job-shop product in Iran, many branches of job-shop product in the Qajar era gradually evolved, as the carpet weaving industry was influenced by modernity and the intellectual and cultural atmosphere affected by the Industrial Revolution and became doubly important. The attitude of Western society and the general attention of the European classes, especially the growing middle class, to Iranian carpets had an impact on the design, color and even dimensions of Iranian carpets. During this period, variables such as the change in the attitude of the middle class of European society affected by industrial developments, the introduction of Iranian carpets in international exhibitions and the investment of multinational companies in the carpet industry, provided the basis for increasing domestic carpet production and exports. Art-industry became popular among the general classes of Europe and in the development of its international trade. The purpose of this article is to investigate the challenge of carpet job-shop product in the Qajar period with the developments affected by the Industrial Revolution and Iran's growing dependence on the global economy and to analyze the results of this challenge. The data collection of this article is in the form of libraries and documents and the data have been studied by descriptive-analytical method.

Keywords: Challenge of job-shop product, Carpet, Qajar, Industrial developments, Industrial Revolution.

1. PhD student of Iranian Islamic History, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
h.aryanfar@modares.ac.ir

2. Associate Professor of Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author)
m_sadeghi@modares.ac.ir

3. Associate Professor of Tarbiat Modares University, Tehran, Iran aghajari@modares.ac.ir



۱- مقدمه

انقلاب صنعتی که به مدت یک قرن از سال ۱۸۵۰-۱۷۵۰م در انگلستان ادامه داشت، زمینه بروز تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فکری بزرگی در اروپا و جهان فراهم کرد؛ چنان که تولید و تجارت در کشورهای مختلف تحت تاثیر تحولاتی همچون تولید در مقیاس انبوه و نیاز به بازار فروش، افزایش نیاز به مواد خام، افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت و شکل‌گیری شرکت‌های تجاری و موسسات مالی، شکل‌گیری طبقه جدید در اروپا، تغییر سلیقه و سبک زندگی قرار گرفت.

از اواسط دوره قاجار با گسترش ارتباط سیاسی و تجاری با اروپا و نفوذ اقتصادی کشورهای صنعتی در شرایط وابستگی، به تدریج اثرات تحولات متأثر از انقلاب صنعتی بر تولید کارگاهی ایران نمایان گردید. در جریانی دو سویه تأثیر پذیری از اروپا و نیز مقاومت در مقابل این هجوم و در گذر از این مقطع تاریخی، تعدادی از رشته‌های تولیدی رو به زوال رفت و برخی از رشته‌ها همچون تولید کارگاهی فرش رونق یافت و به شکوفایی رسید. برخی از محققان معتقدند رشد تولید کارگاهی فرش در این دوره ناشی از کاهش تولید و صادرات محصولات کشاورزی تجاری یا نقدینه آفرین و نیاز به کالایی جهت مبادله برای واردات روزافزون حکومت در نبود فلزات گرانبها بوده است. در مقاله حاضر بررسی چالش بین تولید کارگاهی فرش با تحولات متأثر از انقلاب صنعتی و نتایج این چالش با تکیه بر نظریه وابستگی واکاوی می‌شود. پرسش محوری عبارت است از این که آیا چالش و در نتیجه آن رشد تولید کارگاهی فرش در دوره قاجار به تحولات متأثر از انقلاب صنعتی وابسته بود؟ فرض بر آن است که تحولات متأثر از انقلاب صنعتی مهم‌ترین عامل در رشد و گسترش تولید کارگاهی فرش در دوره قاجار بوده است.

صنعت فرش‌بافی این دوره تا کنون مورد توجه ۴ گروه از محققان قرار گرفته است. گروه اول جنبه‌های عمومی صنعت در دوره قاجار پرداخته‌اند (اشرف ۱۳۵۹؛ سیف ۱۳۷۳؛ عیسوی ۱۳۶۳). گروه دوم جنبه‌های هنری فرش را بررسی کرده‌اند (احمد عطاری و دیگران ۱۳۹۶؛ کریمیان و عطارزاده ۱۳۹۰). گروه سوم به تحلیل تجارت فرش در دوره قاجاریه پرداخته‌اند (جمالزاده ۱۳۳۵؛ اتحادیه و پروان ۱۳۸۹؛ لعبت فرد و ثواب ۱۳۹۵؛ رسولی و

دیگران (۱۳۹۸؛ طاحونی و ملایی ۱۳۹۸). گروه چهارم به بررسی سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در تولید فرش ایران پرداخته‌اند (یزدان پناه و غرباوی ۱۳۹۲؛ جبرایی و دیگران ۱۳۹۷؛ کشاورز ۱۳۹۰). وجه تمایز پژوهش حاضر در این است که در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی تلاش شده تا چالش پدید آمده بین تولید کارگاهی فرش با تحولات متأثر از انقلاب صنعتی با تکیه بر نظریه وابستگی و همسو با جنبش‌های اجتماعی قرن نوزدهم در اروپا و پیامدهای این چالش بر تولید کارگاهی فرش مورد بررسی قرار گیرد.

به نوشته پل باران نظم پیشاسرمایه‌داری در وضع معینی از تکامل خود به مرحله پاشیدگی و زوال رسید. این تلاشی در کشورهای گوناگون بیش و کم قهرآمیز بود (باران، ۱۳۵۹: ۲۵۹). براساس دیدگاه وابستگی، ساختار اقتصادی کشورهای پیشاسرمایه‌داری [مانند ایران دوره قاجار] در قرن نوزدهم تحت تاثیر عملکرد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اروپا قرار گرفت. بر این اساس کشورهای پیرامونی پس از تلاشی شیوه تولید سنتی به تولید کالاهای مورد نیاز بازار جهانی پرداختند و سرنوشت آن‌ها با مقدرات و نیازهای بازار گره خورد. در این میان ایران دوره قاجار به عنوان یک کشور پیرامونی مستثنی نبود، چنانکه با افزایش تقاضای فرش ایران در اروپا، شرکت‌های چندملیتی وارد ایران شدند و زمینه‌های گسترش تولید کارگاهی فرش را فراهم کردند. این رشد نه بر اساس نیازهای بازار داخلی و برنامه‌ریزی دستگاه حاکمه، بلکه براساس نیازهای بازار غرب، مبتنی بر سلیق تغییر یافته مردم اروپایی و با محوریت سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی پدیدار شد که برای به حداکثر رساندن سود خود، تقسیم کار مورد دلخواه و محصولات مورد نیاز مشتریان خویش را بر تولیدکننده ایرانی تحمیل کردند. در نظریه وابستگی، دولت از موقعیت ضعیفی برخوردار است، زیرا شرکت‌های چندملیتی بر همه عرصه‌های کشور تسلط کامل دارند و برای دولت کمترین نقشی در نظر گرفته نشده است. همچنین سرمایه‌داران داخلی نیز توان کافی برای رقابت با سرمایه‌داران خارجی را ندارند (آزاد ارمکی، ۱۳۷۱: ۷۱). جریانی که منجر به انتقال یک جانبه ثروت از کشورهای غیراروپایی به اروپا شد، برای توسعه اروپای غربی اهمیت داشت. افزایش درآمد ملی این کشورها موجب افزایش مازاد اقتصادی در دسترس آن‌ها شد. این مازاد اقتصادی به شکلی آنی عمدتاً در اختیار سرمایه‌دارانی قرار گرفت که می‌توانستند آن را صرف سرمایه‌گذاری در اروپا کنند (باران، ۱۳۵۹: ۲۶۵-۲۶۶). در این مقاله با بهره‌گیری از

نظریه وابستگی، چالش به وجود آمده بین تولید کارگاهی فرش در دوره قاجار با تحولات متأثر از انقلاب صنعتی تحلیل و نتایج حاصل از این چالش مطرح می‌گردد.

فرش بافی در ایران پیش از دوره صفویه به طور عمده ماهیت روستایی داشت و منعکس‌کننده و برآورنده نیازهای تمدن و فرهنگ شبانی- روستایی و متکی بر ابزار تولید و نظام داد و ستد و شیوه تقسیم کار خانوادگی جامعه‌ای بود که در آن فاصله چندان میان تولید و مصرف و تولیدکننده و مصرف‌کننده وجود نداشت. در این دوره فرش‌بافی از میان طایفه‌های کوچنده و روستاها به شهرهای بزرگ آورده شد و به همراه آن دگرگونی‌های کمی و کیفی در صنعت فرش‌بافی به وجود آمد چنانکه قالی‌های بافته شده از ابریشم و طلا در کاشان و فرش‌های سفارشی شاه و افراد دیگر به دست استادان کارگاه‌های سلطنتی در اصفهان بافته و صادر می‌شد (سیوری، ۱۳۷۶: ۱۳۲-۱۳۵). علاوه بر این کارگاه‌های بزرگی در کرمان و سیستان نیز دایر شده بود (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۵۹/۴). در این دوره کارگاه‌های تک‌بافی خانگی جای خود را به گروه‌های نسبتاً بزرگ کارگران بافنده داد که نقاشان و طراحان و رنگرزان را نیز به خدمت خود درآورده بودند. تقسیم کار در این دوره بر محور تولید متمرکز کارگاهی قرار داشت و تابع نظام دستمزد و قانون عرضه و تقاضا بود. در فاصله سقوط صفویه تا شکل‌گیری و تثبیت سلسله قاجار کارگاه‌های تولیدی شکوفایی و رونق خود را از دست دادند. گزارش‌های موجود حاکی است بافت فرش در طول قرن دوازدهم هجری در برخی از مراکز نظیر شیراز، کرمان و خراسان به میزان کم و عمدتاً برای مصارف داخلی یا برای صادرات محدود ادامه یافت (فریه، ۱۳۷۴: ۱۳۴).

۲- تحولات متأثر از انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم

انقلاب صنعتی در اروپا (۱۷۵۰-۱۸۵۰م.) به دلیل اختراعات فنی و به کارگیری ماشین، رونق تجارت خارجی و ایجاد سرمایه‌داری صنعتی تأثیر عمیقی در نظام اقتصادی و صنعتی جهان گذاشت. این انقلاب تحولات اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی مهمی در پی داشت که سبب تغییرات عمده در نظام اقتصاد بین‌المللی و از جمله اقتصاد و تولید کارگاهی فرش در ایران شد. مهم‌ترین این تحولات عبارتند از:

۲-۱- تخصص و تقسیم کار: یکی از مهم‌ترین نتایج و تحولات صنعتی که به دنبال

انقلاب صنعتی اروپا بوجود آمد تخصص و تقسیم کار نیروی انسانی بود. در این دوره سیستم سنتی تولید به مرور به سیستم کارخانه‌ای تبدیل شد و همزمان دو تغییر عمده در تخصص‌ها روی داد. در ابتدا تخصص‌هایی پدید آمد که نتیجه فرایند نوین کاری بود و در مرحله بعد تخصص‌هایی مانند طراحی بروز کرد که به شخصیتی مستقل در فرایند تولید تبدیل شد. بدین ترتیب نیاز به تخصص‌های کاری در عرصه تولید، یعنی افراد ماهر در حرفه‌ای خاص مورد نیاز بود (اشتون، ۱۳۸۴: ۱۲۶). هر کارگری برای انجام کار معینی مانند تولید مکرر یک قطعه خاص، کارورز می شد. از آنجایی که این نیروی کار نمی‌توانست در خانه‌ها به کار بپردازد، مجتمع‌های کارخانه‌ای بسیار بزرگ به وجود آمد که صدها و گاهی هزاران کارگر را تنها در یک رشته صنعتی خاص در درون خود جای می دادند (کوریک، ۱۳۸۴: ۱۳).

۲-۲- رشد سرمایه‌داری صنعتی: یکی از نتایج انقلاب صنعتی رشد سرمایه‌داری در اروپا بود. سرمایه‌داران صنعتی ثروت اضافی ناشی از مازاد تولید را در اختیار داشتند. با پیشرفت انقلاب نفوذ این قشر نیز افزوده شد، چنانکه سرمایه‌داری جدید جانشین سیستم تولید خانگی گردید. سرمایه‌داران از دخالت دولت در امور صنعتی و تنظیم امور شاکلی و خواهان آزادی صنایع بودند (دورانت، ۱۳۷۴: ۹۲۲/۱۰) تجارت فرایندی به یک منبع عمده مالی برای سرمایه‌گذاری در صنعت تبدیل شد. بازرگانان ثروتمند مشتاق بودند ثروت خود را در اموری سرمایه‌گذاری کنند تا ثروت بیشتری بدست آورند. عده‌ای پول خود را در زمین سرمایه‌گذاری می کردند ولی عده‌ای بر این عقیده بودند صنعت درآمد بیشتری برای آن‌ها خواهد داشت (کوریک، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۴).

۲-۳- افزایش ثروت: استفاده از ماشین باعث افزایش تولید محصولات مورد علاقه مردم و به دنبال آن افزایش ثروت شد. در ابتدا این ثروت در دست عده‌ای از متمولین اروپایی قرار داشت، اما به مرور به زندگی مردم عادی جامعه نیز راه پیدا کرد و موجب بالا رفتن سطح زندگی آن‌ها شد. به عبارت دیگر میزان تولید محصول توسط کارگران افزایش یافت و موجب افزایش دستمزد آن‌ها و در نتیجه بالا رفتن قدرت خرید آن‌ها شد (دورانت، ۹۲۴/۱۰).

۲-۴- رشد طبقه متوسط: از آنجایی که انقلاب صنعتی در حال گسترش، بیش از هر زمان به مدیران، بانکداران، کارمندان، پزشکان و حقوقدانان و غیره نیاز داشت، طبقه متوسط

به مرور زمان رشد یافت و این طبقه برای تربیت افراد تحصیل کرده هزینه می‌کردند (همان: ۹۲۳). در اواسط قرن نوزدهم طبقه متوسط به ۵ گروه متمایز تقسیم می‌شد. ۱. مغازه داران و تجار کوچک ۲. افراد حرفه‌ای مانند حقوقدانان، پزشکان و کارمندان ۳. دانشجویان، هنرمندان و روشنفکران ۴. کشاورزان مستقل ثروتمند ۵. قدرتمندان صنعتی، بازرگانی و مالی. گروه آخر طبقه متوسط به معنی اخص بود زیرا ثروت عظیم به اعضای آن امکان اعمال قدرت و نفوذ در کل جامعه را می‌داد (رشیدی، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

۲-۵- ظهور جنبش‌های فرهنگ‌گرا: به دنبال وقوع انقلاب صنعتی، متفکران و هنرمندان اروپایی از اواسط قرن نوزدهم در اعتراض به موج فزاینده ماشینی شدن، با هدف ارتقا و احیای صنایع کارگاهی، جنبش‌هایی را به وجود آوردند. ویلیام موریس^۱ پایه‌گذار نهضت هنر و پیشه انگلستان^۲ (۱۸۵۲-۱۹۱۴م) کوشید محاسن و مزایایی چون سادگی، سودمندی و صداقت در صنایع کارگاهی را ارتقا بخشد. موریس این جنبش را با احیای صنایع دستی و کارگاهی تحت تاثیر هنرهای تزئینی و صنایع کارگاهی شرق از جمله قالی ایران آغاز کرد (موسوی حجازی و پورجعفر، ۱۳۸۱: ۵) و با پژوهش درباره صنایع کارگاهی و دستی ایرانی همچون قالی، منسوجات و ظروف سفالی شیفته شکوه، عظمت و زیبایی تزئینات ایرانی به ویژه نقوش قالی‌ها شد. در پی اقدامات و پژوهش‌های موریس و همکارانش در ارایه و استفاده از طرح‌ها و قالی‌های ایرانی، عموم طبقات جامعه انگلستان و سپس غرب با فرش‌های دستبافت ایران آشنا شدند و تقاضا برای خرید این کالای فرهنگی و فاخر افزایش یافت. علاوه بر این شرکت تجاری آرتور لیبرتی نقش ارزنده‌ای در جلب توجه همگانی به سوی فرش ایرانی داشت (همان: ۱۱).

۱. ویلیام موریس (۱۸۳۴-۱۸۹۶م) متفکر، شاعر و نویسنده انگلیسی با بهره‌جویی از تفکرات نظریه پردازان قرن ۱۹ همچون راسکین و پیوچین در صدد اصلاح شرایط اجتماعی زمان خود برآمد. وی موسس نهضت هنر و پیشه در انگلستان بود و با همکارانش کوشید از طریق احیای صنایع تولیدی کارگاهی و ارتقا مقام هنرمند- صنعتگر، شرایط زندگی طبقه کارگر را بهبود بخشد (موسوی حجازی و پورجعفر، ۱۳۸۱: ۸).

۲. نهضت هنر و پیشه توسط گروهی از پیشه‌وران، هنرمندان و طراحان اروپایی در نیمه دوم قرن ۱۹ در اعتراض به انقلاب صنعتی و بهره‌وری از نیروی کار شکل گرفت. این گروه با هدفی مشترک تلاش کردند تا با بازگشت به صنایع کارگاهی مفاهیم هنرهای کاربردی را تا رتبه صنایع دستی فاخر ارتقا بخشند تا از این طریق به اصلاح شرایط فرهنگی و اجتماعی اروپا بپردازند. از اهداف این جنبش ارتقا مردم سالاری و همبستگی اجتماعی از طریق احیای صنایع کارگاهی بود (موسوی حجازی و پورجعفر، ۱۳۸۱: ۶-۷).

۲-۶- ظهور اقتصاد بین‌المللی: رشد صنعت در اروپا، ظهور اقتصاد بین‌المللی، تخصصی شدن و چند جانبه بودن شیوه تجارت، تحرک سرمایه و نیروی کار و در نتیجه وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر را به همراه داشت. ربع سوم قرن نوزدهم شاهد سریع‌ترین رشد تجارت در تاریخ جهان بود (رشیدی، ۱۳۸۵: ۱۸۱). تجارت بین‌المللی از راه ابداع مکانیزم‌هایی همچون گسترش شبکه حمل و نقل برای مبادلات بین‌الملل تسهیل شد. به دنبال آن قواعد و مقررات مرکانتیلیستی که مانع از رشد مبادلات بازرگانی می‌شد، تعدیل شدند و بسیاری از قواعد گمرکی تغییر یافت و زمینه را برای بازرگانی آزاد فراهم کرد (فانفانی، ۱۳۵۸: ۱۸۳-۱۸۴). قبل از سال ۱۸۷۰م. بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در قاره اروپا متمرکز بود اما بعد از این تاریخ که در قاره اروپا به اندازه کافی سرمایه وجود داشت، سرمایه‌ها به کشورهای و قاره‌های دیگر منتقل شد (رشیدی، ۱۳۸۵: ۱۸۲).

۲-۷- ظهور شرکت‌های چندملیتی: بدنبال شکل‌گیری اقتصاد بین‌المللی و در جهت افزایش سرمایه و ثروت، شرکت‌های چندملیتی تشکیل شدند. این شرکت‌ها شکل سازمان یافته سرمایه‌داری بین‌المللی بود. چگونگی کار و فعالیت آن‌ها در کشورهای دیگر بر اساس اهداف کشورهای مرکزی عملی می‌شد. بنابراین همواره پایین نگه داشتن نرخ رشد و مزده افزایش صادرات مواد اولیه و افزایش واردات کالاهای صنعتی از برنامه‌های کشورهای مرکزی است (آزاد ارمکی، همان: ۷۴). شرکت‌های چندملیتی^۱ به شرکتی گفته می‌شود که در کشورهای خارجی شرکت‌های کوچک اقماری ایجاد می‌کنند (چارلز، ۱۳۸۰: ۵۲). این شرکت‌ها در نقاطی از جهان که امکان سودآوری بیشتر، نیروی کار ارزان، نبودن محدودیت‌های سیاسی و پس از بررسی مسائلی همچون صنایع بومی این کشورها، اقدام به تاسیس و راه اندازی مراکز تولیدی می‌کردند. در این راستا این شرکت‌ها شاخص‌هایی همچون سیاست‌های ملی، محدودیت‌های قانونی، فاصله و بعد مسافت، تعداد جمعیت، نوع و میزان مواد خام و بازارها را برای سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه نیافته مورد توجه قرار می‌دادند (Davis, 2004: 54). از این دوره به بعد شرکت‌های چندملیتی مشتاق به تجارت و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد، روانه شرق و از جمله ایران شدند.



۳- تحول در شیوه تولید فرش در دوره قاجار

نهادهای اجتماعی و سیاسی ایران پس از سقوط صفویه دچار از هم گسیختگی شدند و این شرایط بر کارکرد اقتصادی کشور اثر گذاشت. با روی کار آمدن قاجارها شرایط تغییر کرد. گرچه عوارض ناشی از جنگ‌های داخلی دهه‌های پایانی قرن دوازدهم و جنگ‌های ایران و روس در اوایل قرن سیزدهم هجری همچنان تأثیراتی نامطلوب بر تولید فرش گذاشت، با این حال پس از فروکش کردن بحران‌ها در اواسط قرن، این صنعت کارگاهی به تدریج فعال شد. به عنوان نمونه در کرمان تعداد دارهای فرش در سال ۱۲۶۶ ق حدود ۲۲۰ دستگاه بود که این تعداد در سال ۱۳۲۲ ق به ۱۰۰۰ دستگاه رسید (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۸).

در ابتدای این دوره تولید فرش به شیوه «تولید کالایی ساده» شهری انجام می‌شد. در این شیوه، استادان پیشه‌ور با چند شاگرد در مدت زمان معین تعداد معینی کالا تولید می‌کردند و به قیمتی از پیش تعیین شده بدون واسطه به مشتریان خود می‌فروختند. تولید کنندگان صاحب وسایل تولید و نهایتاً کالای تولیدی خود بودند و آن را جهت رفع نیازمندی‌های شخصی و خانوادگی در معرض فروش قرار می‌دادند (ماندل، ۱۳۵۹: ۱۱۹). این شیوه تولید در کارگاه‌های کوچک خانگی^۱، کارگاه‌های بزرگ تولیدی^۲ و کارگاه‌های مانوفاکتور^۳ انجام می‌شد. هر کدام از این کارگاه‌ها شرایط و ویژگی‌های خاص خود را داشتند که مبتنی بر مقتضیات محلی بودند. اطلاعاتی بسیار اندک در مورد دو کارگاه خانگی و

۱. کارگاه تولید خانگی، کارگاه‌های کوچکی بودند که در منازل شهری و روستایی تشکیل می‌شد. در این کارگاه‌ها استادان با چند شاگرد در یک زمان معین، مقدار مشخصی کالا تولید می‌کردند و به قیمتی از پیش تعیین شده به مشتریان می‌فروختند. در این کارگاه‌ها معمولاً اعضای یک خانواده شامل زنان، کودکان و افراد مسن نقش استاد و شاگرد را بازی می‌کردند (ماندل، ۱۳۵۹: ۱۱۷ و ۱۲۲).

۲. کارگاه‌های تولیدی بزرگ، کارگاه‌هایی بودند که در آن‌ها تعدادی کارگر ماهر در زیر یک سقف گرد هم می‌آمدند و تحت نظارت یک سرمایه دار واحد به تولید محصولی مشخص می‌پرداختند. وسایل تولید و مواد خام توسط سرمایه دار در اختیار آنها قرار می‌گرفت. (ماندل، ۱۳۵۹: ۱۲۱-۱۲۲).

۳. شیوه تولید مانوفاکتور نوعی همکاری در تولید مبتنی بر تقسیم کار بوده است که مشخصه تولید سرمایه‌داری است. این شیوه از نیمه قرن شانزدهم میلادی تا پایان قرن هجدهم در اروپا رواج داشت و از دو طریق انجام می‌شد: الف) از طریق گرد هم آمدن کارگران متعلق به صنایع دستی مختلف و مستقل زیر سقف یک کارگاه و تحت نظارت یک سرمایه دار که یک محصول معین را تولید می‌کردند. ب) از طریق گرد هم آمدن عده‌ای صنعتگر متعلق به یک صنعت دستی در یک کارگاه و تحت نظارت یک سرمایه دار که یک محصول را تولید می‌کردند (مارکس، ۱۳۸۷: ۳۷۷-۳۷۸).

کارگاه‌های تولیدی بزرگ موجود است. بر اساس بررسی عکس‌های موجود در آرشیوهای مختلف می‌توان به نتیجه رسید که کارگاه‌های کوچک در خانه‌های مسکونی قرار داشتند و معمولاً شامل یکی از اتاق‌های خانه بود که اعضای خانواده در آن بر روی یک دار فرش به بافت مشغول بودند. نمونه آن عکس دو زن فرش‌باف در ساروق است که توسط امیرخان قاجار به ثبت رسیده و در آلبوم خانه کاخ گلستان موجود است (ذکاء، ۱۳۷۶: ۱۳۴).



تغییر در سازمان تولید متاثر از شیوه مانوفاکتور اروپا، افزایش تعداد مراکز تولید در اواخر دوره قاجار، افزایش تعداد کارگاه‌ها و دستگاه‌های بافندگی را به همراه داشت. بطوری که تعداد کارگاه‌های فرش از چند هزار در ابتدای قرن نوزدهم به حداقل ۱۷۰۰۰ کارگاه در پایان قرن رسید. به نظر می‌رسد با ورود سرمایه، کارآفرینان و نیروی کار، صنعت فرش به صورت قابل ملاحظه‌ای رشد پیدا کرد و افزایش سریع در تولید و صادرات را به همراه داشت (Gilbar, 1979: 77).

شکوفایی و رونق تولید کارگاهی فرش در دوره قاجار مستلزم وجود نیروی انسانی ماهر و بافندگانی با تجربه در داخل کشور بود. در این دوره نیروی انسانی حوزه فرش‌بافی در ابتدا شامل زنان و کودکان بود و با افزایش تولید، مردان نیز به این عرصه راه یافتند. زنان نیروی کار ماهر، فراوان و ارزان محسوب می‌شدند که نقش اصلی را در رونق روزافزون و شهرت بین‌المللی فرش ایران ایفا می‌کردند. گزارش‌هایی درباره وضعیت اسفبار این گروه از شاغلان صنعت فرش وجود دارد. «... وضع اجیرکردن آن‌ها فوق العاده رقت خیز و محل فرش بافی شان غیرمناسب است و آن‌ها را با یک اجرت خیلی کمی که در هفته حداکثر آن دو

قران الی دو قران و پانصد دینار است به کار و می‌دارند» (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۱۳۳۹/۵۹/۵/۳۲ ق).



زنان قالی باف، سلطان آباد (اراک)، حدود ۱۹۰۰ میلادی، عکاس آنتوان سوریوگین

با وجود شرایط نامناسب و نبود قانون کار در کارگاه‌های تولیدی فرش به علت زوال دیگر صنایع کارگاهی، روز به روز بر تعداد کارگران شاغل در این صنعت افزوده می‌شد. بر پایه یک برآورد در سال ۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۰ م. تعداد ۶۵۰۰۰ کارگر در صنایع فرش کار می‌کردند که هیچ یک از تولیدات صنعتی یا پیشه‌وری از این لحاظ به پای صنعت فرش‌بافی نمی‌رسید (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۷). در سال ۱۳۳۳ ق نیمی از کل کارگران ایران به صنعت فرش اختصاص داشتند (فوران، ۱۳۸۵: ۱۹۷-۱۹۹).

با افزایش ناگهانی تقاضای جهانی برای فرش ایران تجار تبریز به صادرات این کالا روی آوردند و تصمیم به ایجاد کارگاه‌های بزرگ فرش‌بافی گرفتند. در ابتدا در ناحیه هریس کارگاه‌هایی راه‌اندازی شد که باعث رونق فرش‌بافی شد. به تدریج در دیگر نواحی آذربایجان کارگاه‌های مشابهی راه‌اندازی شدند به گونه‌ای که بنابه گفته کسروی در تبریز در برخی از کوی‌ها مانند حکماوار، کارگاه‌های نسبتاً بزرگ با سرمایه این تجار به راه افتاده بود (کسروی، ۱۳۲۳: ۲۷-۲۸). لازم به یادآوری است که تا این زمان در آذربایجان کارگاه‌های فرش‌بافی بزرگ وجود نداشت و این کار توسط زنان در کارگاه‌های خانگی

انجام می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۶۲). به تدریج تجار تبریز راه‌اندازی کارگاه‌های بزرگ را در دیگر نقاط کشور همچون شهرها و روستاهای کرمان، کاشان، مشهد و سنجگسترش دادند (ادواردز، ۱۳۶۸: ۲۳۰). با اقداماتی که در زمینه رشد کارگاه‌های فرش‌بافی انجام گرفت، تجارت فرش به مرحله شکوفایی رسید و فرش و گلیم به عثمانی و روسیه صادر می‌شد و تبریز به مرکز صادرات کالای ایرانی در شمال ایران تبدیل گردید (لندور، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

از جمله ویژگی‌های فرش ایران تنوع در طرح و بافت، دستباف بودن و مرغوبیت آن بود که به شهرت آن افزود. هر منطقه ایران نقشه و طرح، رنگ و جنس خاص خود را در فرش‌بافی داشت. همین موارد فرش‌ها را با وجود شباهت ظاهری از هم متفاوت می‌کرد و تنوع زیادی به فرش‌ها می‌داد. به نوشته بنجامین در این دوره در حدود ۲۵ تا ۳۰ نوع فرش مختلف در شهرهای ایران تولید می‌شد که هر کدام خصوصیات مشخص داشتند (بنجامین، ۱۳۹۴: ۳۸۵ و لندور، ۱۳۹۲: ۲۲۹). به نوشته اوبن در یکی از کارگاه‌های بزرگ فرش‌بافی تبریز دو طراح و رسام فرش از روی انتشارات موزه بازرگانی وین طرح‌های قدیمی را برای بافت مجدد تهیه می‌کردند. اندازه فرش‌ها معمولاً ۳ در ۶ متر بود. هرچند که این اندازه همراه با نقشه و رنگ طبق سلیقه مشتری گاه تغییر می‌کرد (اوبن، ۱۳۶۲: ۷۱). رنگ‌های استفاده شده در فرش بیشتر گیاهی بود. رنگ‌های طبیعی بیشتر از برگ و ریشه گیاهان و محصولات مختلف داخلی مانند پوست انار خشک، پوست گردو، روناس، مازو، زاج سیاه و کات کبود، کافیشه، نیل، حنا، زعفران، زردچوبه، گیاه عصفور و برگ سماق تهیه می‌شد. از این گیاهان مقداری از هندوستان و بخشی از اروپا وارد می‌شد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸۳).

از جمله شاخصه‌های تولید کارگاهی فرش در دوره قاجار سرمایه‌گذاری مقامات درباری، تجار و صاحبان کارگاه‌ها و استادکاران در این صنعت است که نقشی مهم در رشد و ارتقاء آن ایفا کرد. اهمیت تاثیر صاحبان کارگاه‌ها و سرمایه‌گذاران در جریان تولید، در تعداد زیادی از فرش‌های نوشته دار دوران قاجار منعکس است؛ چنانکه در آن‌ها از استادکاران معینی به عنوان تولیدکننده یا تواما از سفارش دهنده و سرمایه‌گذار آن فرش نام برده شده است (یارشاطر، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۷). عبدالحسین میرزا فرمانفرما، حاکم کرمان یکی از سفارش

دهندگان فرش حامی و مشوقی بزرگ محسوب می‌شد که فرش‌های بسیاری به سفارش وی بافته شد. پوپ از وی با عنوان عالیجناب فرمانفرما یاد کرده و احیای فرش‌بافی در کرمان را پس از یک دوره رکود در بازار مدیون همت این حاکم دانسته است (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۸۳۹).

۴- چالش‌های تولید کارگاهی فرش

۴-۱- شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی صنعتی: یکی از عوامل تاثیرگذار و اساسی در رشد جایگاه صنعت قالی ایران، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و حضور در موزه‌های مهم دنیا بود. نمایش قالی‌های ایرانی در نمایشگاه عتیقه لندن و نمایشگاه وین در طی سال‌های ۱۲۶۷ق/۱۸۵۱م. و ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م. و تلاش مرداک اسمیت برای شناساندن قالی ایران از جمله اقدامات در این راستا است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۱: ۷۴). در این دوره اهدای چندین فقره فرش نفیس ایران به موزه عتیق لندن باب آشنایی بیشتر اروپاییان را با فرش ایران فراهم کرد. شرکت در نمایشگاه‌ها و افزایش قدرت خرید طبقه متوسط کشورهای اروپایی سبب علاقه به فرش ایران شد و در نتیجه تقاضا برای این کالا را در بازارهای جهانی افزایش داد (یارشاطر، ۱۳۸۴: ۹۸). به تعبیر کرزن فرش ایران در این دوره چنان شهرتی یافت که اکثر خانواده‌های طبقات بالا در انگلستان و آمریکا به فکر تهیه این کالا خواه از جنس ممتاز و یا عادی آن افتادند (کرزن، ۱۳۷۳: ۶۲۳/۲).

۴-۲- حضور شرکت‌های چندملیتی در حوزه تولید کارگاهی فرش: با افزایش تقاضای بین‌المللی فرش نیاز به حضور سرمایه‌گذاران بیشتر احساس شد. ناظران آن زمان با اشاره به کمبود سرمایه محلی و از آنجایی که تلاش‌های سرمایه‌گذاران داخلی پاسخگوی افزایش تقاضای بازار جهانی نبود، برای تامین، توسعه و تولید فرش، به ورود سرمایه‌گذاری خارجی برای پرکردن این شکاف اشاره کرده‌اند (اسناد وزارت خارجه انگلیس، گزارش‌های دیپلماتیک و کنسولی به نقل از یارشاطر، ۱۳۸۴: ۹۸). سرمایه‌گذاران خارجی در عرصه صنعت فرش، به ایجاد کارگاه‌های مانوفاکتوری فرش بافی اقدام کردند (سازمان ملی ایران، سند شماره ۱۵۵۳۷/۲۴۰).

با افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تعداد مراکز کارگاهی و نواحی تولید فرش

افزایش یافت. مراکز عمده و کارگاه‌های تولید پیش از سال ۱۲۹۳ ق ۷ مرکز بود به ۲۳ مرکز افزایش یافت. به عنوان مثال کرمان که در سال ۱۸۷۱ م. تنها ۶ کارگاه فرش بافی شامل ۳۰ دستگاه دار بود، در سال ۱۹۰۰ م. به بیش از ۱۰۰۰ دستگاه فرش بافی رسید که هر یک توسط استاد بافنده‌ای سرپرستی می‌شده است (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۳).

با توجه به بالا رفتن تقاضای اروپا برای فرش ایران، تعدادی از این شرکت‌ها با توجه به امتیازات تجاری و گمرکی واگذار شده از سوی ایران و وابستگی دولت قاجار به سرمایه‌داری جهانی، در حوزه سرمایه‌گذاری و تولید فرش در شهرهای مختلف ایران حضور یافتند. نیروی انسانی ارزان و فراوان و مواد خام در داخل کشور زمینه‌های جذب و سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی در عرصه تولید کارگاهی فرش در ایران را فراهم کرد. این شرکت‌ها با توجه به شیوه‌های تولید در اروپای پیشاصنعتی به اعمال شیوه تولید کارگاهی یا مانوفاکتوری مبادرت نمودند. مهم‌ترین شرکت‌های چندملیتی که در عرصه سرمایه‌گذاری و تولید فرش ایران حضور یافتند عبارت بودند از: شرکت زیگلر^۱، شرکت هاتس و پسران^۲، شرکت از میر یا شرق^۳، شرکت تولیدی فرش ایران^۴ شرکت تاو سند جیان نیویورک^۵، شرکت قراگوزیان^۶، شرکت کاستلی و برادران^۷ شرکت بابامحمدوف گنجه‌ای (لندور، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۲۶). این شرکت‌ها از یکسو از طریق مذاکره و توافق با عوامل محلی مواد خام و پشم را تهیه می‌کردند و به عوامل محلی فرش‌هایی را جهت بافت سفارش می‌دادند و بر مراحل تولید نظارت می‌کردند و از سوی دیگر فرش را پیش از بسته‌بندی و صادرات به دقت مورد بازرینی قرار می‌دادند و آن‌ها را به اروپا صادر می‌کردند (رایت، ۱۳۶۱: ۱۵۲ و اشرف، ۱۳۵۹: ۵۵). علاوه بر این در شهرهای مختلف ایران نمایندگی‌هایی نیز مستقر کرده بودند. به طور مثال شرکت زیگلر علاوه بر سلطان‌آباد (اراک) که مرکز اصلی تولید فرش این شرکت بود در رشت، مشهد، بندرعباس و بغداد نیز نمایندگی‌هایی را مستقر کرد. رایت

1. Ziegler
2. Hotz and Sons
3. Oriental Carpet Manufacturers Ltd
4. Manufacturing The Persian Carpet
5. Tao sidh Jian New York
6. Qaraqozian
7. Nearco Castelli and Brothers

فرش و تجارت آن را تا پیش از کشف نفت و تا پیش از پایان دوره قاجاریه یکی از مهم‌ترین صادرات ایران و عامل موازنه تجارت ایران با اروپا به شمار می‌آورد و تاکید می‌کند که شرکت زیگلر با روی آوردن به تجارت فرش در این راه نقش مهمی داشته است (رایت، ۱۳۶۱: ۱۵۳). پولاک در گزارشی با عنوان صنعت فرش بافی در سال ۱۸۹۴م/۱۳۱۱ق. می‌نویسد « برای آقایان زیگلر و کمپانی مهم این بود که کار خوبی را که در اینجا شروع کرده بودند از دست ندهند. آن‌ها برای توانایی‌شان و برآوردن انتظارات بازارهای فرش اروپا و امریکا خارج از شهر (سلطان آباد) تاسیسات بزرگی را راه اندختند که حدود ۴۰ هزار یارد مربع را با هزینه شش هزار لیره در بر می‌گرفت. این تاسیسات بسیار بزرگ بود و باعث شد که اهالی اینجا نام آن را قلعه بگذارند. آن‌ها در این تاسیسات دارای خانه‌های مسکونی برای کارکنان و مامورینشان، انبارها و بالاتر از همه صباغ خانه بودند... آقای آپیگر مدیر کمپانی زیگلر به من گفت که وقتی بیست سال پیش به سلطان‌آباد آمد فقط چهل کارگاه بافندگی در اینجا وجود داشت حال به حدود ۱۲۰۰ دستگاه رسیده است و در دهات مختلف هم ۱۵۰۰ دستگاه یافت می‌شود. اگر بگویم روی هم رفته در سراسر این ناحیه قریب به ۳۰۰۰ کارگاه بافندگی کار می‌کنند و محصول سالانه تولیدات فرش آن‌ها در حدود ۵ میلیون قران است، خیال نکنم در ارزیابی ام راه اشتباه رفته باشم» (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۷۲-۴۷۴).

در پی اقدامات انجام شده در جهت آشنایی با فرش ایران در اروپا، صنعت کارگاهی فرش وارد مرحله نوینی شد و تولید فرش تا سال ۱۳۰۸ق/ ۱۸۹۰ م به شدت افزایش یافت. به نوشته اعتمادالسلطنه «بازار قالی فروشی اهل اروپا، این صنعت ایرانیان را که دیده‌اند بسیار پسندیده‌اند و در این عهد بالخصوص تجارت قالی بسی عمده و عالی است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۴۵/۱).

حضور شرکت‌های خارجی افزایش تولید و رشد صادرات فرش را موجب شد. اما این حضور زمینه سلطه سرمایه‌داری خارجی بر صنعت فرش را فراهم کرد. چنانکه وابستگی اقتصاد ایران به بازار جهانی سرمایه‌داری عاملی شد تا بازارهای کوچک و غیر قابل انعطاف محلی از هم پاشید و بازارهای فرامنطقه‌ای شکل گرفت. نتیجه چنین وضعیتی افزایش قرضه‌های خارجی، سلطه بر موسسات اقتصادی مانند بانک‌ها و بازارها و تنظیم و اداره

مبادلات تجاری توسط کشورهای خارجی بود (اکانر، ۱۳۵۶: ۴۲). این همان چیزی است که به نظر اورس «در حالی که سرمایه‌داری در خاستگاه خود اشکال غیرسرمایه‌دارانه تولید را از بین می‌برد، در مناطق توسعه‌نیافته اشکال تولید غیرسرمایه‌دارانه در خدمت ساخت‌های سرمایه‌دارانه است و از این طریق به صورت غیرمستقیم با بازار جهانی نظام سرمایه‌داری ارتباط دارند» (اورس، ۱۳۶۲: ۶۶). تا جایی که با شروع جنگ جهانی اول و خروج شرکت‌های خارجی از ایران، صنعت فرش بافی کشور مورد تهدید قرار گرفت (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، س ش ۱۳۳۲/۴۴/۲/۵ ق).

۴-۳- تغییر ساختار تولید کارگاهی: ساختار تولید فرش بعد از دوره صفویه تا روی کار آمدن قاجارها و حضور فعال شرکت‌های اروپایی در سازمان تولید، بطور کلی بر اساس کارگاه‌های کوچک خانگی بود. اما در نیمه دوم قرن نوزدهم در پی تحولات صنعتی در اروپا، حضور شرکت‌های اروپایی در ایران سازمان تولید از شکل کارگاه‌های کوچک خانگی به تولید مانوفاکتور تبدیل شد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۵۵۳۷/۲۴۰).

طی این دوره در سازمان سنتی و نحوه عملکرد در صنعت فرش ایران تغییرات زیادی به وجود آمد. آنچه که به خصوص از اهمیت زیادی برخوردار است، تولید کارگاهی، افزایش چشمگیر تعداد دستگاه‌های فرش‌بافی، افزایش سرمایه‌گذاری و حجم صادرات آن از دهه ۱۲۹۰ ق. ۱۸۷۰ م. تا جنگ اول جهانی است. (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۴۷۴۸۲ برگ ۱۵۸) تا پیش از این تولید فرش ایران در حجم محدود تولید و مصرف داخلی داشت. اما پس از آن تولید جنبه صادراتی گرفت و در حجم انبوه انجام شد. همچنین در ابتدای این دوره اشتغال در تولید فرش بیشتر توسط زنان انجام می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۶۲) و با تحولات اروپا و رشد قابل ملاحظه تجارت و صادرات، زنان، مردان و حتی کودکان نیز در فرایند تولید فرش وارد شدند (همان: ۴۷۱).

از دیگر تغییرات اینکه مواد خام بیشتر در منطقه و از عشایر تامین می‌شد (ورزی، ۱۳۵۰: ۸۵) اما در ادامه به علت افزایش تقاضای جهانی برخی از مواد اولیه همچون رنگ جوهری از خارج نیز وارد می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۷۱). در ابتدای این دوره و به دور از تحولات جهانی، تولید فرش با ابزار ساده و ابتدایی انجام می‌گرفت و در ادامه رشد تولید،

ابزار به صورت پیشرفته در آمد. در نهایت اینکه تعداد دارهای فرش و کارگاه‌های فرش‌بافی محدود بود که با رشد تقاضای جهانی کارگاه‌ها و دارهای فرش افزایش یافت (لعبت فرد و ثواقب، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

۴-۴- رواج رنگ جوهری در فرش: یکی از چالش‌های صنعت کارگاهی فرش با تحولات متأثر از انقلاب صنعتی، تولید رنگ‌های شیمیایی و استفاده از آن به جای رنگ گیاهی در فرش‌های تولید ایران بود. در نتیجه در اواخر قرن نوزدهم منجر به کاهش میزان صادرات و کیفیت فرش ایران شد. استفاده از رنگ‌های جوهری در تولید کارگاهی فرش به ربع آخر این قرن باز می‌گردد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۱). در دهه ۱۸۹۰م. تولیدکنندگان فرش کرمان از استفاده از رنگ جوهری خودداری کردند، اما در بین فرش‌های ایلپاتی ایالت کرمان رواج پیدا کرد و از حسن شهرت آن کاست (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۲۴). با وجود مضرات رنگ‌های جوهری، این رنگ‌ها به سرعت در مناطق فرش‌بافی شیوع یافت. به این ترتیب کیفیت فرش با رنگ جوهری نقصانی را در صادرات فرش ایران در پی داشت. کاهش تقاضای فرش‌های با رنگ جوهری، تولیدکنندگان و تجار را دچار بحران ساخت و موجب شد دولت در سال ۱۲۹۹-۱۳۰۰ق. ورود این رنگ‌ها را ممنوع کند، ولی قاچاق آن ادامه یافت. در اقدام دیگر دولت در سال ۱۳۰۲ ق. استفاده از نخ رنگ شده با جوهر را ممنوع اعلام کرد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۱). ممنوعیت ورود و عرضه رنگ‌های جوهری سال‌ها ادامه داشت، بطوری که در اواخر سال ۱۸۹۰م. سایکس غدغن‌شدن فروش مواد جوهری را در سفرنامه خود آورده و اظهار امیدواری کرده است که با حضور مستشاران اروپایی در راس گمرک، این قانون اجرا شود (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۲۴).

در اوایل قرن بیستم، دولت با توصیه به والیان و سایر مسئولان تلاش کرده است استفاده از رنگ‌های جوهری در فرش را به حداقل برساند. از جمله در نامه نصراله خان مشیرالدوله، وزیر خارجه وقت ایران در سال ۱۳۱۹ق. به فرمانفرمای عربستان و لرستان خواست که صنعت فرش‌بافی را به دست خود با استفاده از جوهر خراب نکنند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۲-۷-۲۴-۱۳۱۹ق). دولت ایران که در جلوگیری از ورود رنگ‌های جوهری توفیق چندانی به دست نیاورده بود، در سال ۱۳۲۲ق. تصمیم گرفت

صادرات فرش‌های با رنگ جوهری را ممنوع اعلام کند. به این ترتیب یکی از اقدامات اصلی دولت در حمایت از فرش ممنوعیت صادرات قالی‌های رنگ جوهری بر اساس ماده ۳۲ نظامنامه رسمی اداره گمرک، مورخ رجب ۱۳۲۲ق. اجرایی گردید (جمالزاده، ۱۳۳۵: ۷۸). در این سال از سوی دولت به اداره گمرک دستور داده شد که قالی‌هایی که با رنگ شیمیایی رنگرزی شده بودند ضبط کرده و آتش بزنند (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۵).

گزارشی از استانبول در سال ۱۳۲۹ق نشان می‌دهد که اقدامات دولت بی‌تاثیر نبوده است، زیرا براساس این گزارش در سال مزبور رنگ آنیلینی تنها در فرش‌های مناطق تبریز و سلطان آباد استفاده می‌شد که باعث کساد بازار این فرش‌ها شده بود (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۱۳۰۱-۳۷-۱۱-۱۳۲۹ق). در سال‌های پایانی دوره قاجاریه واردات رنگ‌های جوهری از ایالت بادن آلمان به صورت رسمی انجام می‌شد، بطوری که تجارتخانه پرسپولیس در برلین و شرکت رابرت وانکه‌هاوس در هامبورگ به تبلیغ فروش رنگ‌های کارخانه‌های آلمان در روزنامه کاوه پرداختند و این آگهی را چندین نوبت تا شعبان سال ۱۳۴۰ق. به چاپ رساندند (روزنامه کاوه، ۱۳۳۹: ۱۸).

در این راستا وزارت امور خارجه ایران به حمایت از شرکت‌های فعال در تولید فرش پیگیر شکایات و درخواست‌های تجار و شرکت‌های خارجی و احقاق حقوق آن‌ها بوده است. به عنوان نمونه شکایت شرکت زیگلر از برخی از بافندگان در سال ۱۳۱۹ق در خصوص استفاده از مواد اولیه نامرغوب جوهری به جای مواد اولیه با کیفیت شرکت و اینکه در استفاده از طرح و نقشه فرش‌های این شرکت امانت‌دار نبودند. پس از انعکاس آن به وزارت امور خارجه از سوی دولت ایران دستور داده شد که رسیدگی‌های لازم را انجام شود (مرکز اسناد وزارت امور خارجه سند شماره ۳-۷/۲۴/۱۳۱۹ق).

۴-۵- تطابق تولید فرش با سلائق مشتریان خارجی: آشنایی گسترده ایرانیان با اروپا در دوره قاجار، سرآغاز ظهور اندیشه‌های نو و متفاوت در جامعه سنتی ایران بود. تاثیر اندیشه‌های برگرفته از ارتباط با مدرنیته غرب تغییرات و تحولات عمیقی همچون رواج فرنگی مابی و پرداختن به مضامین و فرم‌های اروپایی در فرش این دوره بوجود آورد. در دوره قاجار به واسطه شرایط فرهنگی، اجتماعی و هنری طرح‌ها و نقوش فرش تحول یافت

و طرح‌های قابی، گل فرنگ، بته و ماهی به شکل گسترده در فرش‌های این دوره مورد استفاده قرار گرفت. همچنین گرایش به منظره‌پردازی و طبیعت در نقوش فرش‌های این دوره حائز اهمیت است. فرش‌های این دوره با تاثیر از سلاطین روز و فضای فرهنگی در زمینه کاربرد نقوش و تصاویر و پیکره‌های انسانی جهت نیاز بازار اروپا و بدست آوردن سلاطین مشتریان تغییراتی را پذیرفت (شایسته‌فر و صباغ پور، ۱۳۹۰: ۶۶). موضوعات خارجی مورد توجه در طرح فرش‌ها شامل صحنه‌هایی از تصاویر اسطوره باستانی و تصاویر چهره اشخاص تاریخی غربی بود. از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم بر اهمیت اقتصادی بازار صادراتی افزوده شد و انطباق وسیعی در طرح‌ها و ابعاد و رنگ‌های سنتی انجام گرفت، تا خواست مصرف‌کنندگان خارجی برآورده گردد. این فرش‌ها در ابعاد استاندارد که مناسب فضاهای داخلی منازل اروپایی و امریکایی بود تولید شد که در تضاد با اندازه‌های رسمی سنتی مورد استفاده ایرانیان بود (یارشاطر، ۱۳۸۴: ۱۰۳-۱۰۲).

۵- نتیجه

تحولات متأثر از انقلاب صنعتی اروپا تاثیراتی عمیق بر بسیاری از شئون جامعه ایران قاجاری از جمله تولید کارگاهی برجای گذاشت. فرش یکی از مهم‌ترین شاخه‌های تولید کارگاهی در این دوره بود که در چالش با این تحولات قرار گرفت، چنانکه تولید این کالا با توجه به تحولات اجتماعی متأثر از انقلاب صنعتی در اروپا و علاقه‌مندی شرکت‌های چندملیتی جهت سرمایه‌گذاری در تولید و صادرات فرش، با رشد قابل توجهی روبرو شد.

در بررسی چالش تولید کارگاهی فرش در این دوره با تحولات متأثر از انقلاب صنعتی با رویکرد وابستگی نتایج مهمی به دست آمد. در واقع آنچه رخ داد وابستگی بازار پیشه‌وری و کارگاهی ایران به نیاز و خواست بازار اروپا و امریکا بود. اگرچه فعالیت شرکت‌های چندملیتی در تولید فرش ایران، وقوع جنبش‌های اجتماعی و علاقه‌مندی طبقه متوسط غرب به قالی ایران در شناخت فرهنگ ایران در تولید فرش تاثیر بسزایی داشت، اما نتوانست تغییری در بهبود زندگی کارگری، بهبود مدیریت کارفرمایی، فنون مدرن و بهداشت عمومی ایجاد کند؛ چرا که آن‌ها در جهت منافع خود سرمایه‌گذاری کردند و این سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر در خدمت منافع ارزش‌افزا و انباشت ثروت در نظام سرمایه‌داری بود. خروج مازاد اقتصادی به

دست آمده از تولید فرش قطعاً پسرفت شدیدی در انباشت سرمایه در ایران به وجود آورد و لذا سرمایه‌گذاری‌های اروپاییان تنها منجر به رشد تولید و نه توسعه صنعت کارگاهی ایران گردید.

در نهایت اینکه راه بقای تولید کارگاهی در این دوره وابسته به حمایت کشورهای اروپایی و شرکت‌های چندملیتی بود. تا زمانی که سیستم جهانی سودآور بود، سرمایه‌گذاری هر چند مختصر شرکت‌ها در ایران ادامه داشت و تا وقتی که کالای تولید شده توسط مصرف‌کننده اروپایی و امریکایی مصرف می‌شد، این وضعیت ادامه یافت. اما با شروع جنگ اول جهانی و تحولات پس از آن، تولید و صادرات فرش ایران به شدت کاهش یافت.



منابع و مأخذ

کتابها

- ادواردز، آرتور سیسیل (۱۳۶۸)، *قالی ایران*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: فرهنگسرا.
- اشتون، تامز ساوتکلیف (۱۳۸۴)، *انقلاب صنعتی*، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع رشد سرمایه داری در ایران*، تهران: انتشارات زمینه.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، *المائثروالانثار*، ۳ ج، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- اکابر، جیمز (۱۳۵۶)، *مفهوم امپریالیسم اقتصادی*، ترجمه علی کشتگر، تهران: انتشارات روزبهان.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوار.
- اورس، تیلیمان (۱۳۶۲)، *ماهیت دولت در جهان سوم*، مترجم بهروز توانمند، تهران: انتشارات آگاه.
- باران، پل (۱۳۵۹)، *اقتصاد سیاسی رشد*، ترجمه کاوه آزادمنش، تهران: انتشارات خوارزمی.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۹۴)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: انتشارات اطلاعات.
- پوپ، آرتور (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران*، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، *سفرنامه ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- جمalzاده، محمدعلی (۱۳۳۵)، *گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران در ابتدای قرن بیستم)*، برلین: نشر کاوه.
- دورانت، ویل و آریل (۱۳۷۴)، *تاریخ تمدن، بخش دوم*، ترجمه ضیاءالدین علانی طباطبائی، ج ۱۰، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶)، *تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رایت، دنیس (۱۳۶۱)، *نقش انگلیس در ایران*، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران: انتشارات فرخی.
- رشیدی، علی (۱۳۸۵)، *نظام سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی اروپا*، تهران: انجمن مدیران صنایع.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳)، *سفرنامه سایکس*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات لوحه.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه.
- سیوری، راجر (۱۳۷۶)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶)، *سیاحتنامه شاردن*، ۱۰ ج، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- فانفانی، امنی‌توره (۱۳۵۸)، *تاریخ اقتصادی جهان*، ترجمه عبدالصاحب یادگاری، کرج: انتشارات مدرسه عالی ریاضیات و مدیریت.
- فریه، دبلیور. (۱۳۷۴)، *درباره هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه روز.
- فوران، جان (۱۳۸۵)، *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۱۷۹۹ش. تا انقلاب)*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات موسسه خدماتی فرهنگی رسا.
- کرزن، جرج (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، ۲ ج، تهران: انتشارات کتاب.
- کسروی، سید احمد (۱۳۲۳)، *زندگانی من*، تهران: چاپاک.
- کوریک، جیمز. آ. (۱۳۸۴)، *انقلاب صنعتی*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.

- لندور، آرنولد ساویج (۱۳۹۲)، *اوضاع سیاسی اجتماعی فرهنگی اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت*، ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی، تهران: اطلاعات.
- مارکس، کارل (۱۳۸۷)، *سرمایه*، ترجمه جمشید هادیان، ۳ ج، بی جا، بی نا.
- ماندل، ارنست (۱۳۵۹)، *علم اقتصاد*، ترجمه هوشنگ وزیری، تهران: خوارزمی.
- ورزی، منصور (۱۳۵۰)، *هنر و صنعت قالی در ایران*، تهران: رز.
- یارشاطر، احسان (۱۳۸۴)، *تاریخ و هنر فرش بافی در ایران*، گروه نویسندگان، ترجمه ر. لعلی خمسه، تهران: انتشارات نیلوفر.

مقاله‌ها

- آزاد ارمکی، تقی، «مقدمه‌ای بر نظریه وابستگی در جامعه شناسی توسعه»، *فصلنامه دانشکده علوم انسانی*، دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۵-۷، ۱۳۷۱.
- اتحادیه، منصوره «اتحادیه و رسول پروان، تحولات تجارت فرش دستبافت ایران در دوره قاجاریه»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۵، ۱۳۸۹.
- جبرایی، مهدی و دیگران، «بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان آید عراق»، *فصلنامه پژوهش های تاریخی*، شماره ۲، ۱۳۹۷.
- خواجه احمد عطاری، علیرضا و دیگران، «تأثیر جایگاه غرب بر قالی های دوره قاجار»، *فصلنامه گلجام*، شماره ۳۱، ۱۳۹۶.
- رسولی، آذر و دیگران، «سیاست‌های فرهنگی هنری و تجاری قالی ایرانی دوران قاجاریه»، *نشریه مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۳۳، ۱۳۹۸.
- شایسته‌فر، مهناز و طیبه صباغ‌پور، «بررسی قالیهای تصویری دوره قاجار»، *فصلنامه مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر*، شماره ۱۸، ۱۳۸۰.
- طاحونی، پوران و مصطفی ملایی، «بررسی عوامل و چگونگی احیا و رونق صنعت فرش در دوره قاجار»، *فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران*، دانشگاه الزهراء، شماره ۴۳، ۱۳۹۸.
- کریمیان، حسن و عبدالکریم عطارزاده، «نقش انقلاب صنعتی در تحولات صنایع دستی ایران»، *مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۱۱، ۱۳۹۰.

- کشاورز، حسام (۱۳۹۰)، «بررسی مولفه‌های مدیریتی تولید فرش با سرمایه خارجی در دوره قاجار، همایش ملی هنر فرهنگ»، *تاریخ و تولید فرش دستبافت ایران و جهان*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد.
- لعبت فرد، احمد و جهانبخش ثواقب، «عوامل مؤثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در ایران قرن نوزدهم میلادی»، *تاریخ ایران*، شماره ۲۰، ۱۳۹۵.
- موسوی حجازی، بهار و محمد رضا پور جعفر، «تأثیرپذیری نهضت هنر و پیشه انگلستان از هنر اسلامی ایران»، *مجله هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، شماره ۱۲، ۱۳۸۱.
- یزدان‌پناه، مجتبی و مهدی غرباوی، «بررسی سیر پیدایش تجارتخانه‌های امریکایی در تجارت فرش کرمان»، *فصلنامه پژوهشگران فرهنگ*، شماره ۳۲، ۱۳۹۲.

روزنامه

- *روزنامه کاوه* (۱۳۳۹)، سال دوم، ش ۲.

منابع انگلیسی

- Davis. Kaith. *Human Relations in Business USA*, New york, McGraw Hill. 2004
- Gilaar, G... G TTe eersinn mmmmmmmmin tee Mid-19Th Cttt rr y”” Die Welt des Islams. Vol. 19. Issue 4/1(1979).

اسناد

- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۱۳۳۹/۵۹/۵/۳۲ ق.
- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۱۳۳۲/۴۴/۲/۵ ق.
- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۲ و ۳/۱۳۱۹/۲۴/۷/۳ ق.
- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۵۵۳۷.
- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۳۳۶۸.
- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۴۷۴۸۲ برگ ۱۵۸.